همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛
با تأکید بر پیاده‌روی زیارت اربعین

چکیده

برپایی تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر با توجه به جهانی‌شدن فرهنگ غربی، نیاز به عناصر نرم با قدرت اشاعه جهانی دارد. یکی از سازوکارهای تحقق این مهم، با توجه به عناصر نرم و تمدن ساز نهاد زیارت، همگرایی تمدنی در طریق زیارت است. این پژوهش سعی در بررسی مهم‌ترین الزامات این همگرایی در سطح تمدنی آن دارد. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و تحلیل آن‌ها بر اساس روش تحلیل مضمون صورت پذیرفته‌است. بر اساس نتایج این پژوهش چهار مضمون اصلی و فراگیری که از تحلیل مضمون منابع مربوط به همگرایی تمدنی در طریق زیارت به دست آمده عبارت‌اند از: «زیارت»، «ارتباطات میان فرهنگی»، «تمدن» و «همگرایی». همگرایی از مفاهیمی است که خصوصاً در روابط بین‌الملل به آن توجه زیادی شده است، اما این نوشتار نگاهی فرهنگی و تمدنی به این مفهوم دارد و آن را نوعی همسویی و همنوایی در گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتار، در اجتماعی از مردم تلقی می‌کند. مسئله همگرایی در طریق زیارت را می‌توان در سه سطح سازمانی، میان‌فرهنگی و تمدنی تحلیل کرد. آموزش اخوت و ولایت بین مسلمین، توجه به اسلامی و جهانی بودن منسک زیارت به عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی و نه یک عنصر واگراکننده فرقه‌ای، افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه فنّاوری ارتباطات و اطلاعات و تأکید بر تعارف، تعامل، تعاون، همدلی، درک و گفت‌وگو بین زائر و میزبان در جریان زیارت از مهم‌ترین الزامات در سطح تمدنی همگرایی در طریق زیارت محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی

زیارت، ارتباطات میان‌فرهنگی، همگرایی، تمدن نوین اسلامی.

سید مجید امامی

استادیار دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

s.m.emamy@isu.ac.ir

هادی غیاثی(نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام)

hadi.ghiasi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴

۱. مقدمه

خطّی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خطّ رسیدن به تمدّن اسلامی است.(آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۷۹) مراحل این صیرورت عبارت است از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی. تاکنون دو مرحله اول طی شده است و اکنون بار تحقق دولت اسلامی بر دوش دغدغه مندان انقلاب اسلامی خصوصاً مسئولین و نخبگان علوم انسانی است چراکه علوم انسانی است که نرم‌افزار اداره جامعه و همچنین فضای تنفسی مسئولین و کارگزاران کشور را شکل می‌دهد. اما مسئله مهم این است که علوم انسانی مبتنی بر جهان‌بینی‌های مختلف، جهت‌گیری‌های متفاوتی می‌یابد و بنابراین لازم است انقلاب اسلامی که داعیه تمدنی با جهت‌گیری متفاوت از تمدن غربی کنونی دارد، علوم انسانی متناسب خود و مبتنی بر اندیشه اسلامی را تولید کند.

از ملزومات شکل‌گیری علوم انسانی خودی، توجه به واقعیت‌های اجتماعی جامعه خویش و تحلیل آن‌ها با مفاهیم مبتنی بر اندیشه‌ها و مبانی خودی است. مفاهیم در علوم انسانی نقش کلیدی ایفا می‌کنند به‌طوری‌که یکی از گام‌های اساسی تحول در علوم انسانی بازتولید مفاهیم محوری در رشته‌های مختلف علوم انسانی است؛ چراکه واقعیت‌های اجتماعی در قالب مفاهیم، لباس معنا به خود می‌پوشند و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. بر این اساس، نوشتار حاضر سعی در تحلیل یک پدیده اجتماعی جهان اسلام با ابزار مفاهیم بومی دارد.

در فرهنگ شیعی، زیارت به مثابه یک نهاد مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت مجموعه‌ای از دانش‌ها و دستوراتی است که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند؛ ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد، مانند بیشتر نهادهایی که به عنوان دستاورد تمدنی اسلامی محسوب می‌شوند مورد غفلت واقع شده است. بنابراین فرض این مقاله چنین انتخاب شده است که زیارت می‌تواند نقش مؤثری در تمدن‌سازی نوین اسلامی داشته باشد. یکی از عوامل بالفعل کردن ظرفیت‌های نهاد زیارت، فراهم کردن سازوکارهای همگرایی در طریق زیارت بر محور محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. چیزی که مخصوصاً در زیارت اربعین نمایان می‌شود. «امروزه اربعین تنها یک راهپیمایی معنوی و یا صرفاً زیارت جمعی حسین بن علی علیه‌السلام

نیست، بلکه مدلی متفاوت از نظام مناسبات انسانی در مقابل الگوی سکولار و دنیوی شده غربی است. این تجربه، تجربه‌ای در حال ترقی و پیشرفت است که بر منابع دینی و سنن بومی ساخته شده است و از فرهنگ مدرن غرب هیچ رنگ و بویی نگرفته است. اربعین که یک پدیده کاملاً انسانی و اسلامی است، نه یک پدیده تمدنی به معنای غربی آن[1] بلکه ظهور یک امت نوین اسلامی است که مدل نظام‌مند آن را می‌توان برای بشر امروز تبیین و آن را در ویترین جوامع انسانی برجسته کرده و بر آن محاجه کرد(بابایی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)». محور همگرایی در زیارت اربعین حب الحسین علیه‌السلام است. «اثر توحیدی خون اباعبدالله علیه‌السلام مختص به آیندگان واقعه کربلا نیست، بلکه تمامی انبیاء گذشته نیز شاگردان توحیدی این مکتب بوده‌اند و تمامی انبیا، عهدی با اباعبدالله علیه‌السلام در کربلا بسته‌اند و مراتب توحید را به برکت این خون مقدس دریافت و مشاهده کرده‌اند(هدایت، ۱۳۹۶: ۱۷۷)». هویت حسینی در جوامع اسلامی و متمایز شدن آن از دیگر هویت‌ها در طول سالیان طولانی شکل گرفته است.[2]

زیارت اربعین حسینی در تاریخ معاصر از یک منسک شیعی فراتر رفته است و هرساله انسان‌های مختلف از فرهنگ‌های متفاوت با دین، زبان، رنگ و نژادهای گوناگون را با جاذبه‌ای مغناطیسی به سمت خود می‌کشاند. حضور اهل سنت و مسیحیان و علمای آنان در این راهپیمایی و حتی اسلام آوردن آنان، صحنه‌هایی است که به وفور در این سال‌ها به چشم خورده است. «در جریان عاشورا نیز ازآنجاکه موضوع از صرف یک پدیده سنتی فراتر رفت و تبدیل به مسئله انتخاب بهشت و دوزخ شد شاهد تنوع مسیحی، عثمانی و اموی اصحاب سیدالشهداء علیه‌السلام هستیم. در جریان ظهور نیز بر اساس همان آیه پیشین و روایات ذیل آن می‌دانیم که پیوستن به امام صرفاً در دایره شیعیان رسمی محصور نمی‌ماند و اصحاب امام از ادیان و مذاهب گوناگون و در سطحی جهانی ظهور خواهند کرد. این همان حقیقت است که در جریان قیامت مبنی بر عدم کفایت دین ظاهری برای رستگاری و رجوع یوم‌الحساب و دیگر مواقف قیامت به بواطن و حقایق انسان‌ها بدان معتقدیم(همایون، ۱۳۹۶: ۷۲)».

---

1. civilization

۲. کانت جذور الانطلاقه مع الرسول الاعظم ص و جهوده و کلماته بحق الحسین و هی الاصل فی تشکیل هذه الهویه. عندما قال: حسین منی و انا من حسین، احب الله من احب حسینا(الشیخ غالب الناصر، ۲۰۱۵: ۲۰۹).

به همین دلیل است که عتبات مقدسه با تأکید بر زیارت اربعین و با دارا بودن ظرفیت‌های مشترکی چون معنویت محوری، تنوع جاذبه‌های معنوی، داشتن امتداد تاریخی، مردمی بودن، بستر روابط میان فرهنگی بودن، بهره‌مندی از تنوع علمی، فرهنگی و محیطی، می‌توانند با همگرایی سازمانی، میان فرهنگی و تمدنی، در سطح منطقه‌ای و جهانی، کانون ترویج سبک زندگی اسلامی، منشأ پرورش نسلی مؤمن و انقلابی، سنگر مقابله با تهاجم فرهنگی، جلوه‌گاه تصویری جذاب و باعزت از تشیع و قبله‌گاه الهام‌بخش منتظران موعود جهانی باشند. در این نوشتار پس از تبیین همگرایی تمدنی و بیان مبانی، زمینه‌ها و موانع تحقق آن، به جست‌وجوی مهم‌ترین الزامات این نوع همگرایی در طریق زیارت می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع و مسئله این نوشتار، پژوهش‌های زیادی صورت نپذیرفته است. آقایان امیرمحسین عرفان و علی بیات در مقاله «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های تمدنی و فرهنگی آن» به کارکردهای تمدنی-فرهنگی مفهوم امت پرداخته‌اند.این مقاله موضوع «امت» و «امامت اسلامی»را از منظر فرهنگی وتمدنی مورد واکاوی قرار داده و با استناد به مؤلفه‌های امت از منظر قران، به تبیین مفهوم و نقش امت در فرایند ساخت تمدن اسلامی پرداخته است تا روشن نماید که این نظریه چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی در باروری فرهنگی و نیز تمدن سازی دارد. انسجام و همبستگی وثیق اجتماعی، آرمان سازی برای تحولات اجتماعی و کارکردهای هویت‌بخش ازجمله یافته‌های این تحقیق در قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی این آموزه است(عرفان و بیات، ۱۳۹۳: ۷). این نتایج می‌تواند در کارکردهای همگرایی میان فرهنگی در جهان اسلام مورد توجه پژوهش حاضر قرار گیرد؛ درعین‌حال، توجه به نقش سازمان‌ها، رسانه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی به عنوان قابلیت‌های فرهنگی تمدنی نهفته در بستر پدیده امت اسلامی نیز از تمایزات پژوهش حاضر است.

پژوهش بعدی مقاله‌ای است که الله کرم کرمی پور با عنوان «گردشگری دینی، ماهیت و کارکرد» نگاشته است. این مقاله مروری بر گردشگری دینی است. این موضوع ابتدا به لحاظ مفهومی و معنایی بررسی شده و سپس کارکرد و نقش آن در سه سطح «واقعیت اجتماعی»،

«فرهنگی» و «معنوی» تحلیل شده است. در این سطوح سه‌گانه، گردشگری دینی یک برساخت اجتماعی و بسان یک نیاز فرهنگی و معنوی در انسجام و همگرایی انسانی مورد تأکید قرار گرفته و سپس در یک چهارچوب مفهومی سه‌گانه «خداخواهی، دگر خواهی و خودیابی» در نگرش اسلامی تبیین و دسته بندی شده است(کرمی پور، ۱۳۹۴: ۵۳). تأکید بر نقش همگراکننده گردشگری دینی که برخاسته از روابط میان فرهنگی عظیمی است که در آن صورت می‌پذیرد از نکته‌های قابل استفاده در این نوشتار است که در پژوهش حاضر نیز مورد تأکید است اما توجه به همگرایی سازمانی و نقش‌آفرینی رسانه‌ها و مراکز آموزشی در همگراسازی تمدنی گردشگری دینی نیز از تمایزات نوشتار حاضر با آن پژوهش است.

از دیگر پژوهش‌های قابل توجه در این حوزه مقاله «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی» است که در آن به تشریح همگرایی کشورهای اسلامی در عصر جهانی‌شدن می‌پردازد. آقای دکتر محمد ستوده در این پژوهش دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای را مهم‌ترین ابزار همگرایی کشورهای اسلامی در شرایط جهانی‌شدن می‌داند. ایشان ابتدا با ناممکن دانستن مطالعه تحولات بین‌المللی در عصر فراصنعت و فرااطلاعات، بدون توجه به فرآیندهای جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی، جهانی‌شدن را باعث نفوذپذیری مرزها، تحول در هویت‌های ملی و افزایش روابط فراملی می‌داند. سپس با ارائه تعاریفی از جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی، سازمان منطقه‌ای و تعاملات منطقه‌ای و با اشاره به لزوم همگرایی کشورهای اسلامی در شرایط جهانی‌شدن، تشکیل سازمان منطقه‌ای برای پاسخ‌گویی به نیاز کشورهای اسلامی در عصر جهانی‌شدن را کافی نمی‌داند. آقای دکتر ستوده معتقد است دیپلماسی منطقه‌ای راه‌حل همگرایی منطقه‌ای کشورهای اسلامی است. از نظر ایشان همگرایی کشورهای اسلامی بیش از هرچیز نیازمند ایستارها و تصاویر ذهنی مشترک، مثبت و واقعی است که این امر، دیپلماسی همه‌جانبه منطقه‌ای، خصوصاً از طریق فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی نوین را طلب می‌کند(ستوده، ۱۳۸۷: ۹۵). کافی ندانستن همگرایی سازمانی و تأکید بر همگرایی فرهنگی و رسانه‌ای از نکات قابل استفاده در این نوشتار می‌باشد که در پژوهش حاضر نیز مورد تأکید است اما توجه به همگرایی میان فرهنگی و نقش ارتباطات میان فرهنگی، نقش مراکز آموزشی و پژوهشی در همگرایی تمدنی و جهانی از تمایزات پژوهش حاضر با آن نوشتار است.

از دیگر مقاله‌هایی که پدیده اربعین را به مثابه یک عنصر تمدنی مورد توجه قرار داده است می‌توان به مقاله «ظرفیت‌های تمدنی کنگره عظیم اربعین حسینی» به قلم مسعود معینی پور اشاره داشت که ذیل بیان یک چارچوب نظری به بررسی ارکان تحقق تمدن و امت واحده اسلامی پرداخته و ظرفیت‌های آیین‌ها و مناسکی مانند اربعین را در تحقق امت واحده و تمدن نوین اسلامی تشریح کرده است. ایشان دین، علم، عقلانیت و اخلاق را ارکان چهارگانه تمدن نوین اسلامی می‌داند که اربعین در سه لایه گرایشی، بینشی و رفتاری ظرفیت‌هایی برای تحقق آن‌ها در متن و بطن خود دارد(معینی پور، ۱۳۹۴: ۲۲). نگاه تمدنی به پدیده زیارت موضوعی است که آن نوشتار با پژوهش حاضر اشتراک دارد و توجه به همگرایی سازمانی، نقش رسانه‌ها و مراکز آموزشی در همگرایی تمدنی و جهانی از تمایزات پژوهش حاضر با آن نوشتار است.

مقاله «مدنیت و معنویت در اربعین» به قلم حبیب‌الله بابایی نیز به کارکردهای تمدنی زیارت اربعین پرداخته است. ایشان معتقد است آنچه در همایش اربعین رخ می‌دهد هم به جهت ایمانی و هم به جهات حبی و عشقی کاردکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک‌سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می‌شود و نظام مناسبات ایمانی را تنظیم می‌کند و از سوی دیگر در اربعین با تأکید بر یک محبوب و معشوق مشترک و همچنین با تجربه مشترک حبی و عشقی نسبت به آن محبوب واحد، محبتی به همدیگر به وجود می‌آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می‌یابد. شکل‌گیری امت واحده بر اساس این عشق و معشوق مشترک، نتیجه این نظام مناسبات جدید است که بر محور اربعین رخ می‌نماید(بابایی، ۱۳۹۴: ۴۴). نگاه تمدنی و میان فرهنگی و تأکید بر محبت و معنویت از وجوه مشترک این نوشتار با پژوهش حاضر می‌باشد.

آقای محمدرضا بهمنی خدنگ در مقاله «آیین اربعین، نمایش تنوع در امت اسلامی» پس از واکاوی معنا و مؤلفه‌های امت در قرآن پدیده اربعین را به مثابه متعالی‌ترین پدیده عینی و انسانی تنوع‌پذیر، بارزترین مابازای عینی مفهوم امت در قرآن می‌داند. ایشان با تأکید بر اصالت تنوع‌پذیری در امت اسلامی آن را زمینه‌ساز تعالی امت اسلامی می‌داند و امت متعالی و پیش‌رونده را زیرساخت حرکت تمدنی در جهان اسلام معرفی می‌کند. بنابراین ایشان آیین انسانی-اسلامی اربعین را الگوی عملیاتی تمدن‌سازی مبتنی بر مناسبات انسانی قلمداد می‌کند(بهمنی خدنگ،

۱۳۹۶: ۹۲). تأکید بر بعد امت‌سازی زیارت و زیرساخت دانستن آن برای تمدن‌سازی نوین اسلامی از وجوه مشترک این نوشتار با پژوهش حاضر می‌باشد.

آخرین پژوهش مربوط به آقای محسن پرویش است. او در مقاله «همگرایی جهانی و راه‌کارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین»، یکی از پدیده‌های که می‌تواند همگرایی جهانی را به‌ویژه در جهان اسلام به دنبال داشته باشد، گسترش فرهنگ اربعین می‌داند چراکه همبستگی، عطوفت، مهربانی و یکی شدن که مهم‌ترین صفات اربعین است، می‌تواند این مراسم را به یک قدرت نرم تبدیل کند که نقش اساسی در همگرایی جهانی داشته باشد. ایشان مهم‌ترین راهکارهای وصول به این همگرایی جهانی را استکبارستیزی، گسترش فرهنگ ایثار و شهادت و تقویت دیپلماسی فرهنگی عنوان می‌کند(پرویش، ۱۳۹۶: ۴۰). توجه به همگرایی سازمانی، نقش رسانه‌ها و مراکز آموزشی در همگرایی تمدنی و جهانی از تمایزات پژوهش حاضر با سه نوشتار اخیر محسوب می‌گردد.

۳. روش پژوهش

در تقسیم‌بندی تحقیقات بر مبنای هدف، تحقیقات به دو نوع کاربردی و بنیادی تقسیم می‌گردد. تحقیقات بنیادی خود بر دو نوع تجربی و نظری است. در تحقیقات بنیادی نظری، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس به روش‌های مختلف استدلال، مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شود. این پژوهش نیز از نوع بنیادی و نظری است. روش این پژوهش کتابخانه‌ای و رویکرد آن توصیفی و تحلیلی است. «تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، فرآیندهای جاری، آثار مشهود و روندهای در حال گسترش توجه دارد(خاکی، ۱۳۹۰)». روش تحلیل داده در این پژوهش تحلیل مضمون است. روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آن‌ها، فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. در این نوشته، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس[1]، فرآیند گام‌به‌گام و جامع جهت تحلیل مضمون، عرضه می‌شود. در این بخش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود.

---

1. King & Harox

فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم نمود: الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن و ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. درحالی‌که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید. فرایند تحلیل مضمون، زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد، البته ممکن است این کار در طول جمع‌آوری داده‌ها اتفاق بیفتد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. همچنین، تحلیل، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود(براون و کلارک[1]، ۲۰۰۶) نکته مهم دیگر این است که تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای از خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص، این امر باعث انعطاف‌پذیری آن‌ها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق می‌شود(پاتون[2]، ۱۹۹۰: ۱۴۵).

آخرین گام در تحلیل مضمون تدوین گزارش است. این مرحله وقتی آغاز می‌شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شده باشد. هدف از نوشتن تحلیل مضمون این است که حکایت کامل و پیچیدهٔ موجود در داده‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که خواننده درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل پژوهشگر، متقاعد شود. مهم این است که تحلیل، حکایت مختصر و منسجم و منطقی و غیرتکراری و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، عرضه کند. گزارش، باید شواهد کافی و مناسبی درباره مضامین موجود در داده‌ها فراهم کند و داده‌های کافی برای هر مضمون، عرضه شود. در آخرین گام، استنتاج‌های همه شبکه‌ها، همراه با نظریه‌های مرتبط با آن‌ها، به‌طور خلاصه، برای تبیین مضامین، مفاهیم، الگوها و ساختارهای برجستهٔ به‌دست‌آمده از متن استفاده می‌شود. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و علایق نظری نهفته در آن‌هاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به‌دست‌آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود(استیرلینگ[3]، ۲۰۰۱)

در این پژوهش پس از بررسی داده‌ها و انجام مراحل روش‌شناختی، به دلیل رعایت اختصار تنها به گزارش مضامین نهایی یعنی زیارت، ارتباطات میان فرهنگی، تمدن و همگرایی پرداخته

---

1. Braun & Clarke
2. Patton
3. Attride-Stirling

می‌شود و در نهایت با استفاده از ابزارهای مفهومی به‌دست‌آمده، الزامات همگرایی در طریق در زیارت در سطح تمدنی آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

٤. چارچوب مفهومی

٤-١. زیارت

در منابع لغوی معانی مختلفی برای زیارت بیان شده است که درعین‌حال روح مشترکی در همه آن‌ها جاری است و آن گردیدن و برگشتن از چیزی و مایل شدن از آن می‌باشد. اما «معنای اصطلاحی زیارت اشاره به حرکت مؤمنین برای دیدار بارگاه ملکوتی معصومین علیهم‌السلام دارد تا این دیدار ظاهری، زمینه‌ای باشد برای اتصال باطنی به حقیقت ائمه هدی علیهم‌السلام(زمانی، ١٣٩٢: ٣٣)».

از طرفی «زیارت به مثابه واقعیتی فرهنگی اجتماعی در فرهنگ شیعی، به مثابه یک نهاد مورد مطالعه قرار گرفته است؛ یعنی زیارت مجموعه‌ای از گرایش‌ها، بینش‌ها و کنش‌هایی در نظر گرفته شده است که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند(حاج علی‌اکبری، ١٣٨٨)». ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد مانند بیشتر نهادهای تمدنی، فرهنگی شیعی مورد غفلت واقع شده است. با شروع حرکت اربعین حسینی، ظرفیت‌های تمدنی نهاد زیارت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است چراکه نشان‌دهنده حرکت هویتی اصیل بود. هویتی که در طول تاریخ اسلام در بین مسلمانان خصوصاً در متن اجتماعات شیعیان جاری بود. این جریان را می‌توان در شعارهایی که داده می‌شود مشاهده نمود.[1]

٤-٢. ارتباطات میان فرهنگی

گفتگوی بین فرهنگی، سازوکاری جدی و مؤثر برای آگاهی یافتن از تنوع فرهنگی، انتقال و تبادل مفاهیم و نزدیکی فرهنگ‌هاست. «انسان از طریق گفتگو متوجه می‌شود که به یک گروه فرهنگی خاص تعلق دارد و در عین حال با فرهنگ اقوام و ملت‌های مختلف آشنا می‌شود،

١. مثلاً: ابد والله یا زهراءماننسی حسیناه. «و هذا اعلان صریح عن الحضور المرکزی للذاکره و استمرار القضیه الحسینیه فی الذاکره الاجتماعیه و دورها المحوری فی رسم هویه المجتمع الحسینی و تمیزه فی العالم السلامی(الشیخ غالب الناصر، ٢٠١٥: ٢١٤)».

آگاهی‌های خود را در این زمینه افزایش می‌دهد و در نهایت، ضمن همدلی، دشواری پذیرش نگرش‌ها و باورهای دیگران را بر خود هموار می‌سازد و این، همان مفهومی است که در ارتباطات میان فرهنگی از آن به عنوان «آگاهی میان فرهنگی» نام برده می‌شود(جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰)». پذیرش زیارت به عنوان یک ارتباط میان فرهنگی، آن را به فرصتی برای تعامل، تبادل و گفتگو بدل می‌سازد. ارتباط میان فرهنگی که به صورت ارتباط میان مردم با فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌شود، سطوح مختلفی دارد که ازجمله آن‌ها، میان فرهنگ‌های ملی در جوامع مختلف است و در این سطح فراملی، در جریان رابطه فرهنگی، فرد در معرض سایر ارزش‌های فرهنگی قرار می‌گیرد و در نتیجه، فرآیندی انعکاسی آغاز می‌شود که موجب تعامل مثبت میان اشخاص و فرهنگ‌ها می‌گردد. به همین علت، فرهنگ‌ها می‌توانند از گفت‌وگو به عنوان نماد ارتباط میان فرهنگی استفاده نمایند. بنابراین زیارت، زمانی که مبتنی بر گفتگو و همدلی بین زائر و زائر یا زائر و میزبان باشد یکی از بهترین مصادیق ارتباط میان فرهنگی محسوب می‌گردد.

٤-۳. تمدن

تمدن با گستره‌ای جغرافیایی و تاریخی، کلان‌ترین واحد اجتماعی است که تاکنون در زندگی بشر مطرح بوده است. «تحلیل تمدن‌ها بی‌شک در چارچوب تنگ زمانی یکی دو واقعه - اگرچه مهم و تاریخ‌ساز- ممکن و عقلانی نیست. آنگاه که از تمدن سخن می‌گوییم، از یک‌سو پا را از یک حوزه خاص سیاسی، نظامی یا فرهنگی و اجتماعی و جز آن فراتر گذاشته به کلیت ترکیب - و البته بودن غفلت از جزئیات - می‌نگریم و از سویی دیگر اگرچه در زمان، ولی پدیده را در سیر زمانی خویش تعقیب می‌کنیم(همایون، ۱۳۹۶: ۵۵)».

تصویری که مطالعات تمدنی غربی از تمدن ارائه می‌کنند تنها تصویر ممکن از تمدن نیست. باید توجه داشت که مفاهیم تجربی در بسترهای تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرند. جهان غرب نیز بیشتر علوم خود را با تکیه بر مفاهیم تجربی پردازش کرده است، که مطالعات تمدنی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. لذا جهت ارائه تصویری بومی از تمدن و برای آزادی از قیود مفاهیم تجربی دنیای غرب، که بر اساس تاریخ تمدن غرب، خصوصاً تحولات اجتماعی و سیاسی چند قرن اخیر در قاره اروپا و آمریکا، صورت‌بندی شده‌اند، باید هم به تاریخ و فرهنگ خود و هم به

مبانی قرآنی و فلسفی اسلامی متمسک شویم. به نظر می‌رسد می‌توان با مؤلفه‌های مفهومی چون عقلانیت، نظام‌های اجتماعی، هماهنگی، عینیت و پویایی آن‌ها(بارانی و میرمحمدی،۱۳۹۱)، بسط تاریخی و جغرافیایی، هویت و روح تمدن، تصویر نسبتاً کاملی از واژه تمدن بر اساس مبانی بومی ارائه داد. در واقع تحقق یک تمدن مستلزم وجود عقلانیتی است که مبانی فکری لازم برای نظام سازی در یک منطقه جغرافیایی را تأمین نماید تا با هماهنگی، پویایی، عینیت و بسط تاریخی آن نظام‌های اجتماعی، هویت تمدن به معنای کامل خود فرصت بروز و ظهور پیدا کند.

هر تمدن یک کلیت یکپارچه است که دارای حقیقتی اصیل در عالم نفس‌الامر است. تمامی لایه‌های فکری، نظامات اجتماعی، عناصر عینی، تمامی هماهنگی‌ها و پویایی یک تمدن در نهایت یک حقیقت کلی را ظهور می‌دهد. به بیان دیگر «اگر مابین وحدت اعتباری و وحدت حقیقی، یک طیف و مسیر تشکیکی را در نظر بگیریم یک جامعه صرف، متمایل به وحدت اعتباری است و یک تمدن، متمایل به وحدت حقیقی در وجود است. این بیان متذکر این نکته است که نه یک جامعه صرف از وحدت حقیقی به کلی تهی است و نه یک تمدن از وحدت اعتباری خالی، بلکه جامعه در گذر از وحدت اعتباری ناشی شده از قوانین و تعاملات اعتباری، با رسیدن به غایات وجودی خود به وحدتی حقیقی دست می‌یابد که در آن مابین فرهنگ آن جامعه و اکثر تعاملات اجتماعی آن جامعه یک پیوند حقیقی و ضروری برقرار می‌گردد. در چنین موقعیتی می‌توان از چنین اجتماعی تعبیر به تمدن کرد(خانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)». این وحدت حقیقی، یا الهی است و یا شیطانی. الهی یا شیطانی بودن یک تمدن بستگی به محور بودن یا نبودن ولی الهی دارد. در طول تاریخ انبیاء الهی و معصومین علیهم‌السلام محور تمامی حرکت‌ها جهت تحقق تمدن اصیل اسلامی بوده‌اند تا زمین را به آسمان متصل و انوار الهی را از روزنه‌های ملکوت به عالم ناسوت سرازیر کنند. لذا اگر محور یک تمدن، ولایت الهی باشد روح، ملکوت و حقیقت آن تمدن الهی است اما اگر غیر این باشد آن تمدن شیطانی خواهد بود؛ همچنان که در قرن‌های اخیر شاهد تحقق چنین تمدنی بوده‌ایم.

٤-٤. همگرایی

همگرایی از مفاهیمی است که خصوصاً در روابط بین‌الملل به آن توجه زیادی شده است. اما این نوشتار نگاهی فرهنگی، تمدنی به این مفهوم دارد و آن را نوعی همسویی و همنوایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار در بین مردم و نخبگان تلقی می‌کند. همان‌طور که «پدیده زیارت را می‌توان با سه نگاه توریستی، میان فرهنگی و تمدنی تحلیل نمود(مهدیار، ۱۳۹۴: ۱۵۷)». مسئله همگرایی را نیز می‌توان در سه سطح سازمانی، میان فرهنگی و تمدنی تحلیل کرد. تحلیل جامع و صحیح از همگرایی تحلیلی است که هر سه سطح سازمانی، میان فرهنگی و تمدنی را در برگیرد و تحقق هر سطح را گامی جهت تحقق سطح بعدی عنوان کند؛ بدین صورت که تا همگرایی سازمانی محقق نشود همگرایی میان فرهنگی صورت نمی‌پذیرد و تا همگرایی میان فرهنگی صورت نپذیرد همگرایی تمدنی شکل نمی‌گیرد(شکل شماره (۲)). «تنسیق» و «همگرایی» تمدنی، آرمان «توحید» را از طریق ایده «وحدت» جهان اسلام که مقوله‌ای ایدئولوژیک است و با تأکید بر «تقریب» مذاهب و «تعایش» و هم‌زیستی میان فرهنگی عامه مردم پیگیری می‌کند.

٤-٤-۱. همگرایی سازمانی

همگرایی در سطح سازمانی یک همگرایی بوروکراتیک و اداری به شیوه‌های معمول تفاهم‌نامه‌های سازمانی است که در نهایت با غلبه نگاه اداری و اقتصادی در انجام اقداماتی سطحی و کوتاه‌مدت سازمانی خلاصه می‌شود. اکتفا کردن به این نگاه «تأکید بر تدارک امکانات رفاهی زائران با کمترین توجه به هم‌افزایی انسانی و تبادل فرهنگی را به همراه دارد(مهدیار، ۱۳۹۳: ۱۵۸)». اتفاقی که هم‌اکنون می‌توان آن را در سفرهای زیارتی ایرانیان به عربستان یا حضور اعراب شیعی در شهرهای مذهبی ایران ازجمله مشهد و قم مشاهده کرد. غافل شدن از نگاه‌های میان فرهنگی و تمدنی به زیارت سبب می‌شود که چرخه حرم، بازار، هتل و حرم به‌طور معمول در سفرهای زیارتی مشاهده شود و پدیده زیارت بیش از آن‌که دارای تعاملات فرهنگی با مردم دیار میزبان باشد به زیارتی توریستی تقلیل یابد. اگر ایده وحدت جهان اسلام به پروژه‌ای سازمانی تبدیل نمی‌شد و حاکمان اسلامی به جای تولیت حداکثری بر امر دینی، اجازه می‌دادند تعایش

و تقریب‌گرایی حداقل در قالب گفت‌وگو و تعامل نخبگان شیعه و سنی ادامه یابد، شاید راهبرد همگرایی بین بدنه عامه دین‌داران مسیر طبیعی‌تری را طی می‌کرد.

٤-٤-٢. همگرایی میان‌فرهنگی

همگرایی میان‌فرهنگی با تأکید بر زیربنا بودن فرهنگ در تحولات اجتماعی، اصالت را به ایجاد همگرایی در بین مردم با نژاد، رنگ و لهجه متفاوت می‌دهد و بر ارتباطات چهره به چهره و میان‌فرهنگی تأکید می‌کند. «اساساً عامل چسبندگی اجتماعی میان گروه‌ها و اقوام و افراد تعارفی است که بین این گروه‌ها به وجود می‌آید و با شناخت یکدیگر و رسمیت بخشی به استعدادهای انسانی همدیگر، گامی جمعی در جهت رفع نیازهای یکدیگر و حل معضلات کلان اجتماعی برداشته می‌شود و هویتی مشترک به وجود می‌آید. تعارف در حقیقت فلسفه و حکمت آفرینش تفاوت‌ها و کثرت‌های انسانی است تا بتوانند راهی به سوی معرفت و کمال نهایی پیدا بکنند. این تعارف صرفاً یک تعارف عرفانی با کارکردهای سلوکی صرف نیست، بلکه این تعارف، زندگی این جهانی در مقیاس تمدنی را متأثر می‌سازد و مناسبات کلان اجتماعی را اصلاح می‌کند و راه را به سوی تعامل معروف و تعاون در نیکی‌ها می‌گشاید. جامعه‌ای که در آن تعارف هست، جامعه‌ای که در آن تعاملات انسانی بر اساسی معروف رخ می‌دهد و جامعه‌ای که در آن تعاون در نیکی‌ها وجود دارد، نه در ادبیات اسلامی، بلکه حتی در ادبیات مدرن هم یک جامعه متمدن تلقی می‌شود و فرایند تمدنی در آن نیز سهل و آسان رخ می‌دهد(بابایی، ١٣٩٦: ١٠٧)».

پدیده زیارت، خصوصاً زیارت اربعین و ارتباطات میان‌فرهنگی گسترده‌ای که در آن صورت می‌پذیرد، فرصت‌های زیادی را برای تعارف، تعامل و تبادلات میان فرهنگی ایجاد می‌کند، تا فرهنگ‌ها با یکدیگر آشنا شوند و آگاهی فرهنگی خود را نسبت به یکدیگر افزایش دهند. چنین اثری در افزایش تعاون‌های اجتماعی، کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، پیش‌داوری‌ها و نزدیک‌تر شدن افکار و اعتقادات دو فرهنگ، ارتقاء تفاهم و درک متقابل میان ملت‌ها، جلوگیری از بیگانه گرایی و تبلیغات سوء، ایجاد آرامش و صلح جهانی و ... بسیار مؤثر است و سرمایه فرهنگی و آرامش و زایش فرهنگی توأمان لازم، جهت شکل‌گیری همگرایی تمدنی را تأمین می‌کند. خانی معتقد است تحقق این مرحله از همگرایی مستلزم تحقق پنج گام زیر است: «١. گسترش درک

مشترک در رابطه با یکدیگر و در رابطه با منطقه، ایجاد یکی همدلی طبیعی و واقعی نسبت به یکدیگر و به‌گونه‌ای که هر یک از ملت‌های رنج و بدبختی و یا شادی و کامیابی ملت دیگر را به مثابه دغدغه‌های خودش در نظر بگیرد. ۲. اطمینان از وفاداری اعضا نسبت به یکدیگر و اطمینان از این امر که آن‌ها تحت هیچ شرایطی به یکدیگر خیانت نخواهند کرد. ۳. اطمینان از این واقعیت که علی‌رغم وجود تفاوت در زمینه ملیت، ریشه‌های قومی و ادیانی که افراد به آن‌ها تعلق دارند، با این وجود هنوز هم می‌توانند یک احساس عمیق و معنادار از یکپارچگی را به وجود آورند که فراتر از همه مقوله‌ها حس هویت مشترک را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. ۴. تلاش در راستای گسترش اعتماد دوجانبه و چندجانبه و باور و اعتماد نسبت به یکدیگر که شرایط تعامل و همکاری با یکدیگر را میسر می‌سازد. ۵. تلاش در راستای افزایش شباهت‌ها در زمینه انتظارات و نحوه برداشت و درک آن‌ها از تهدیدات و چالش‌ها و درنتیجه سیاست‌های پیشنهادی و برنامه‌های آن‌ها برای حل معضلات(خانی، ۱۳۹۶: ۲۷۸)».

٤-٤-۳. همگرایی تمدنی

همگرایی تمدنی به‌نوعی امتداد تاریخی و جغرافیایی همان همگرایی میان فرهنگی و حاصل آمیزش و تبادل فرهنگ‌ها و تألیف و وحدت قلوب در درازمدت است. تداوم زیارت اربعین - که همانا بسط تاریخی مهم‌ترین حرکت در جهت همگرایی میان فرهنگی در جهان اسلام محسوب می‌گردد - و الگو شدن آن برای سایر تعاملاتی که در دنیای اسلام صورت می‌پذیرد - که همانا بسط جغرافیایی این همگرایی میان فرهنگی است - می‌تواند همگرایی در سطح میان فرهنگی را به همگرایی تمدنی که عقلانیت، پویایی، این جهانی، همسویی و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری مورد نیاز تمدن نوین اسلامی را با خود به همراه دارد ارتقا بخشد و با وقوع پیامدهایی چون گسترش ارزش‌های اسلامی و احیای هویت اسلامی، تحکیم روح اخوت، محبت صمیمیت و عشق مؤمنان میان محبان اهل‌بیت، ایجاد همدلی و تعاون و همبستگی اجتماعی، شناخت ملل مختلف و ارزیابی ظرفیت‌های میان فرهنگی، لغو امتیازها و تبعیض‌ها، تقریب تفکرات شیعی و مذاهب اسلامی، غیریت سازی و شناخت دشمن مشترک و ایجاد موقعیت امن و استراتژیک برای مسلمانان زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت علیه‌السلام و تحقق تمدن حقیقی گردد.

علاوه بر توجه به ارتباطات میان فرهنگی و بسط تاریخی و جغرافیایی آن، باید به سایر عواملی که زمینه حرکت از همگرایی میان فرهنگی به همگرایی تمدنی را در طریق زیارت تسهیل می‌کنند توجه نمود. درواقع بسط تاریخی و جغرافیایی همگرایی میان فرهنگی یکی از مؤلفه‌های همگرایی در سطح تمدنی محسوب می‌گردد. رسانه‌ها و فنّاوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید یکی دیگر از عوامل مهم در این زمینه به شمار می‌روند به‌طوری‌که بدون استفاده از آن‌ها همگرایی تمدنی امکان‌پذیر نخواهد بود یا بسیار کند پیش خواهد رفت. تأکید بر عنصر رسانه در فرآیند همگرایی در جهان تشیع و اسلام به حدی است که «برخی تنها راه همگرایی در جهان اسلام را با توجه به شرایط جهانی‌شدن، دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای عنوان نموده‌اند(ستوده، ۱۳۸۷: ۳۳)».

مؤلفه دیگری که جهت تحقق همگرایی تمدنی، لازم است در کنار مؤلفه‌های ارتباط میان فرهنگی و رسانه‌ای، به آن توجه شود، عنصر علم و آموزش است. همواره مراکز پژوهشی و آموزشی به‌عنوان ستون فقرات مبادلات فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند و علم و معرفت از عناصر تأثیرگذار در همسویی نگرشی، بینشی و کنشی نیروی انسانی یک تمدن محسوب می‌گردد. در طول تاریخ معمولاً در جوار آستان‌های مقدس در شهرهای مذهبی مراکز علمی عظیمی دایر بوده است که نشان‌دهنده نقش محوری زیارتگاه‌ها در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی تأثیرگذار بر جریان علمی در دوران‌های مختلف است.

اما به نظر می‌رسد توجه به رابطه امت با امام مهم‌ترین عامل برای حرکت از همگرایی میان فرهنگی به همگرایی تمدنی باشد. نکته‌ای که در همگرایی میان فرهنگی مطرح می‌شود اخوت و برادری میان مسلمانان و محبان اهل‌بیت علیهم‌السلام است. اما وجه تمایز همگرایی تمدنی با همگرایی میان فرهنگی را می‌توان در توجه به رابطه امت با امام یا به عبارتی ولایت تاریخی و اجتماعی امام در امت اسلامی در نظر گرفت. آنچه که بسط تاریخی و جغرافیایی یک اجتماع مؤمنانه را به سمت تحقق تمدن اصیل اسلامی هدایت می‌کند ولی الهی و اتصال امت به او است. ولی الهی همواره در طول تاریخ جهت انجام مسئولیت خویش که همان تحقق تمدن اصیل اسلامی است حاضر بوده است اما ظهور تمدن اصیل بر روی زمین مشروط به وحدت، اتصال هر چه بیشتر و یکی شدن امت با ولی الهی است. درواقع تمدن اصیل اسلامی همان تجلی ولایت الهی در زمین و شکوفا شدن

استعدادهای زمین با انوار ملکوتی این ولایت است. «اگر حیات انسانی اجتماع به معنای ظهور باطن نهایی انسانیت یعنی مقام انسان کامل در بستر تعاملات اجتماعی است، ازآنجاکه انسان کامل ولی مطلق الهی است حیات انسانی اجتماع محل ظهور حداکثری ولایت الهی در بستر اجتماع خواهد بود و درنتیجه می‌توان گفت حیات انسانی اجتماع مساوی تمدن ولایی است و نه‌تنها مساوی که مساوق با تمدن ولایی است(خانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴)». حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی درواقع حرکت به سمت ظهور ولایت الهی در زمین است. زمینه‌سازی اصلی این ظهور با اتصال هر چه بیشتر قلوب مؤمنین واقعی به حقیقت امام معصوم علیه‌السلام محقق می‌شود. این اتصال اگر به نحو جمعی صورت پذیرد قطعاً اثرات و برکات بیشتری را نمایان خواهد ساخت؛ یعنی اگر همه مؤمنین واقعی با همدیگر متوجه انسان کامل شوند، بستر بسیار مناسب‌تری جهت تحقق ظهور ولی الهی در زمین فراهم می‌گردد. زیارت، تنها پدیده‌ای است که این توجه جمعی به حقیقت معصوم را به زیباترین و کامل‌ترین شکل جلوه می‌دهد. در زیارت، هم توحید و ولایت الهی به‌عنوان مهم‌ترین مبانی حضور دارد، هم همگرایی قلوب مؤمنین نمایان است، هم پویایی و حرکت درونی و بیرونی در متن این پدیده جاری است و هم نظامات مختلف اجتماعی عینیت می‌یابد؛ به همین دلیل بهترین بستر همگرایی تمدنی تنها در طریق زیارت است که امکان تحقق خواهد داشت.



شکل شماره (۱). سطوح مختلف همگرایی

۵. الزامات همگرایی تمدنی در طریق زیارت

با توجه به چارچوب مفهومی مطرح‌شده می‌توان به الزامات تحقق این همگرایی پرداخت. اجرا و اعمال همگرایی تمدنی در طریق زیارت، مستلزم برآورده ساختن الزامات معین و متعددی در سه سطح سازمانی، میان فرهنگی و تمدنی است که مهم‌ترین الزامات سطح تمدنی را به این صورت می‌توان تعیین و تبیین کرد:

- مهم‌ترین الزام در سطح تمدنی همگرایی در طریق زیارت، توجه و تأکید بر اتصال امت به امام به‌عنوان هدف اصلی در تمام فعالیت‌ها و برنامه‌هاست. معرفت‌افزایی نسبت به انسان کامل و جایگاه او در سعادت دنیوی و اخروی، تأکید بر ظرفیت محبان و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام در رسیدن به مقام خلیفه الهی، تعیین جایگاه محبت به معصوم به‌عنوان محور زیارت، معرفت‌افزایی نسبت به اطاعت و تبعیت از معصوم، آموزش مبانی امت اسلامی و اخوت و ولایت بین مسلمین، توجه به اسلامی و جهانی بودن منسک زیارت به‌عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی و نه یک عنصر واگراکننده فرقه‌ای، تعیین جایگاه محبت و تألیف قلوب بین مؤمنین در زمینه‌سازی ظهور، تأکید بر اصالت داشتن و محور بودن اخوت و ولایت در تمامی فعالیت‌های دیگر و معرفت‌افزایی نسبت به راه‌های وحدت بین مسلمین ازجمله این الزامات است.

- الزام بعد ناظر به بعد دشمن‌شناسی حرکت همگرایی تمدنی در طریق زیارت است که اهمیت بسیاری داشته وعبارت از غیرامنیتی کردن و امنیت‌زدایی از این همگرایی بسیار مهم است؛ زیرا در اثر تصویرسازی غیرواقعی نظام استکبار از مکتب تشیع در سطح منطقه و جهان، فرهنگ اسلامی - انقلابی تشیع، امنیتی شده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از کشورها ممکن است تعریف و تلقی امنیتی از فعالیت‌های طریق زیارت داشته باشند. ادراک و برداشت نادرستی که به ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه و هراس از اسلام انقلابی در سطح بین‌المللی انجامیده است. ازاین‌رو برای اجرا و اعمال همگرایی تمدنی کارآمد و فعال، نخست باید بر این تصور و تلقی نادرست فائق آمد.

- الزام بعد مربوط به گسترش آگاهی‌های میان‌فرهنگی است. تأکید بر تعارف، تعامل، تعاون، همدلی و درک و گفت‌وگو بین زائر و میزبان، تأکید بر مشارکت مردم میزبان در پذیرایی از زائرین، آموزش احترام به سبک زندگی و مظاهر فرهنگی مردم میزبان، شناخت ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و تابوهای مردم میزبان ازجمله این الزامات است.

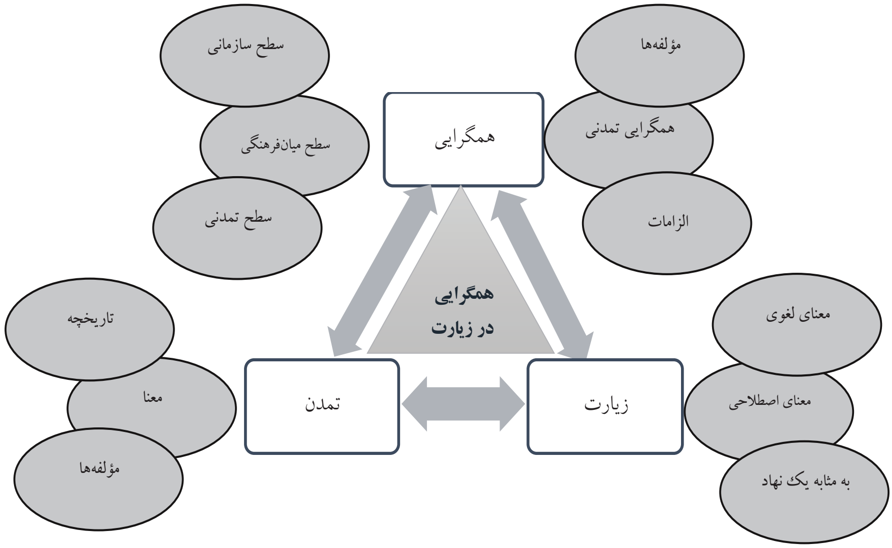
- الزام دیگر مربوط به الزامات رسانه‌ای است. افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه فنّاوری ارتباطات و اطلاعات، راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی مشترک با کشورهای حوزه تمدنی فرهنگ و تمدن شیعی و حوزه اسلامی با مؤلفه فرهنگ شیعی و اسلامی برای ایجاد همگرایی و نزدیکی و پویا کردن اشتراکات دینی، تاریخی، فرهنگی، راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی مشترک با همکاری ایسیسکو و اکو با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن شیعی و اسلامی برای تقویت و گسترش اشتراکات دینی، تاریخی، فرهنگی در حوزه تمدنی شیعی و اسلامی، راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی مشترک با همکاری رهبران ادیان الهی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و معارف الهی برای تقویت و گسترش اشتراکات دینی و ترویج زندگی مسالمت‌آمیز، بسترسازی با هدف انتقال عناصر فرهنگی با ایجاد شبکه‌های اختصاصی فرهنگی در رسانه‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی مانند رادیو، تلویزیون، سایت‌های اینترنتی و... از جمله این الزامات است.

- الزام آخر ذیل عنوان الزامات آموزشی و پژوهشی مطرح می‌شود. اتخاذ رویکرد تمدنی در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی و اشتراک‌گذاری تولیدات جدید در سطح بین‌المللی و جهان اسلام، انجام مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای و حمایت از پژوهش‌های اسلامی به‌ویژه در زمینه شناخت ادیان، فرق، فرهنگ ملل و ساختار جریان‌های فرهنگی در جوامع مختلف، شناخت جمعیت‌ها، انجمن‌ها و شخصیت‌های فرهنگی و مذهبی جهان، اشاعه و گسترش زبان و ادبیات عربی و تقویت کرسی‌های زبان عربی، اشاعه و گسترش اسلام‌شناسی، قرآن‌شناسی و ایجاد و گسترش کرسی‌هایی درباره اسلام، قرآن، اسلام و مکتب تشیع، گسترش و تقویت مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به‌ویژه کشورهای مسلمان به منظور مبادلات فرهنگی و عرضه صحیح فرهنگ و تمدن اسلامی، ساماندهی و هماهنگی کلیه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از مرزها، ایجاد پژوهشکده‌های مشترک (میان کشورهای حوزه فرهنگ شیعی) برای مطالعه

و تحقیق پیرامون مؤلفه‌های مشترک فرهنگ شیعی، معرفی و برجسته‌سازی ظرفیت‌های فرهنگی، سرمایه‌های مادی و معنوی فرهنگی، میراث فرهنگی، اندیشمندان تاریخی و... در جهان اسلام و تشیع، معرفی و برجسته‌سازی ویژگی‌ها و عناصر تمدن ساز فرهنگ اسلامی و شیعی، معرفی اهل‌بیت(ع) و برجسته‌سازی بزرگان شیعه ازجمله این الزامات است.

٦. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برپایی تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر با توجه به جهانی‌شدن فرهنگ غربی، نیاز به عناصر نرم با قدرت اشاعه جهانی دارد. جهان تشیع با آموزه‌های جذاب خود که مبتنی بر فطرت حق‌گرای انسانی است، در راستای شالوده‌ریزی تمدن نوین اسلامی، قابلیت این را دارد که با همگرایی و انسجام مکتبی به یک قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود. لازمه به فعلیت رسیدن این همگرایی تمدنی، بسترسازی مناسب این امر با استفاده از عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی مختلف است. یکی از سازوکارهای تحقق این مهم، با توجه به مؤلفه‌های تمدن ساز نهاد زیارت، همگرایی سازمانی، میان‌فرهنگی و تمدنی در طریق زیارت است. تحلیل جامع و صحیح از مسئله همگرایی، تحلیلی است که هر سه سطح را در برگیرد و تحقق هر سطح را گامی جهت تحقق سطح بعدی عنوان کند بدین‌صورت که تا همگرایی سازمانی محقق نشود همگرایی میان فرهنگی صورت نمی‌پذیرد و تا همگرایی میان فرهنگی صورت نپذیرد همگرایی تمدنی امکان‌پذیر نخواهد بود. بر اساس نتایج این پژوهش، شبکه مضامین همگرایی تمدنی در طریق زیارت را می‌توان بدین گونه نمایش داد:



شکل شماره (۲). شبکه مضامین همگرایی تمدنی در طریق زیارت

سازمان‌های متولی زیارت با دارا بودن ظرفیت‌های مشترکی چون معنویت‌محوری، تنوع جاذبه‌های معنوی، داشتن امتداد تاریخی، مردمی بودن، بستر روابط میان‌فرهنگی بودن، بهره‌مندی از تنوع علمی، فرهنگی و محیطی، می‌توانند با به‌کارگیری راهبردهای صحیح همگرایی سازمانی، میان فرهنگی و تمدنی، در سطح منطقه‌ای و جهانی، کانون ترویج سبک زندگی اسلامی، منشأ پرورش نسلی مؤمن و انقلابی، سنگر مقابله با تهاجم فرهنگی، جلوه‌گاه تصویری جذاب و باعزت از تشیع و قبله‌گاه الهام‌بخش منتظران موعود جهانی باشند.

توجه به اتصال جمعی امت اسلامی به حقیقت انسان کامل، معرفت افزایی نسبت به انسان کامل و جایگاه او در سعادت دنیوی و اخروی، افزایش سطح بینش نسبت به ظرفیت محبان و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام دررسیدن به مقام خلیفه الهی، تأکید بر جایگاه محبت به معصوم در سرعت رشد معنوی، آموزش مبانی امت اسلامی و اخوت و ولایت بین مسلمین، تأکید بر محبت اهل‌بیت به عنوان محور زیارت، تعیین جایگاه محبت و تألیف قلوب بین مؤمنین در زمینه‌سازی ظهور، تأکید بر اصالت داشتن و محور بودن اخوت و ولایت در تمامی فعالیت‌های دیگر، معرفت افزایی نسبت به راه‌های وحدت بین مسلمین، آموزش مبانی اخوت و امت اسلامی، توجه به اسلامی و جهانی

بودن منسک زیارت به عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی و نه یک عنصر واگراکننده فرقه‌ای و درنهایت تأکید بر تعارف، تعامل، تعاون، همدلی، درک و گفت‌وگو بین زائر و میزبان در جریان زیارت از مهم‌ترین الزامات در سطح تمدنی همگرایی در طریق زیارت محسوب می‌گردد.

منابع

۱. بابایی، حبیب‌الله(۱۳۹٤)، مدنیت و معنویت در اربعین، **مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران: سوره مهر.

۲. بابایی، حبیب‌الله(۱۳۹٦)، «**درآمدی بر شاخص‌های تمدنی در اربعین**»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، ج ٤، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۳. بارانی، محمدرضا و میرمحمدی، سیدضیاءالدین(۱۳۹۱)، «**درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان**»، تاریخ اسلام، چ۱۳، ش ۵۰.

٤. بهمنی خدنگ، محمدرضا(۱۳۹٦)، «**آیین اربعین، نمایش تنوع در امت اسلامی**»، چکیده مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۵. پرویش، محسن(۱۳۹٦)، «**همگرایی جهانی و راه‌کارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین**»، چکیده مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

٦. جعفری هفت‌خوانی، نادر(۱۳۹۲)، **مدیریت گردشگری و وجهه‌ی ملی در جمهوری اسلامی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۷. حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی(۱۳۹۱)، «**چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام**»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۸۰.

۸. خانی، ابراهیم(۱۳۹۵)، **جامعه‌شناسی حکمت متعالیه**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۹. خانی، محمدحسن(۱۳۹٦)، «**آیین اربعین به مثابه منبع قدرت نرم جهان اسلام**»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، ج ٤، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۱۰. خاکی، غلامرضا(۱۳۹۰)، **روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**، تهران: بازتاب.

۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال(۱۳۹۰)، «**الزامات دیپلماسی فرهنگی ایران**»، نشریه *همشهری دیپلماتیک*، ش ۵۸.

۱۲. زمانی، حسین(۱۳۹۲)، **بازشناسی مفهوم زیارت**، تهران: آوند رشد.

۱۳. ستوده، محمد(۱۳۸۷)، «**جهانی‌شدن و همگرایی کشورهای اسلامی**»، فصلنامه *علوم سیاسی*، ش ٤۲.

۱٤. صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید(۱۳۸۹)، **دیپلماسی فرهنگی**، تهران: ققنوس.

۱۵. عرفان، امیرحسین و بیات، علی(۱۳۹۳)، **فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، ش ۱۵.

۱٦. غالب الناصر(۲۰۱۵)، **البناء الاجتماعی و الثقافه الحسینیه**، کربلاء المقدسه: دار وارث للطباعه.

۱۷. کرمی‌پور، الله‌کرم(۱۳۹٤)، «**گردشگری دینی: ماهیت و کارکرد**»، دو فصلنامه *اسلام و علوم اجتماعی*، ش۱۳.

۱۸. **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی دکترین مهدویت**(۱۳۸۸)، قم: بین‌المللی المصطفی(ص).

۱۹. **مجموعه مقالات اربعین حسینی**(۱۳۹٤)، قم: بین‌المللی المصطفی(ص).

۲۰. **مجموعه مقالات و یادداشت‌های دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین**(۱۳۹۵)، قم: کتاب جمکران.

۲۱. **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین**(۱۳۹٦)، ج ٤، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲۲. محمدی، علی(۱۳۸٤)، **امپریالیسم فرهنگ و هویت فرهنگی**، ترجمه: حسن بشیر، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).

۲۳. معینی‌پور، مسعود(۱۳۹٤)، **مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران: سوره مهر.

۲٤. مهدیار، میثم(۱۳۹٤)، ظرفیت شناسی اربعین، **مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران: سوره مهر.

۲۵. همایون، محمدهادی(۱۳۹۱)، **جهانگردی، ارتباطی میان‌فرهنگی، مطالعه تطبیقی الگوی غربی معاصر و الگوی اسلامی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)

۲٦. همایون، محمدهادی(۱۳۹٦)، نقش تمدن ساز عاشورا و اربعین، از بعثت و غدیر تا ظهور، **مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین**، ج ٤، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

1. Attride-Stirling, J. (2001), **“Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research”, Qualitative Research,** Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

2. Braun, V. & Clarke, V. (2006), **“Using thematic analysis in psychology”, Qualitative Research in Psychology,** Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

3. Patton, M. Q. (1990), **Qualitative evaluation and research methods, Thousand Oaks,** CA: Sage.